

-
-

بررسی آسیب‌های فراروی زنان سرپرست خانوار ::

خانواده‌های زن‌سرپرست در جامعه ما مشکلات مخصوص خود را دارند.

صرف‌نظر از شرایط ویژه‌ای که به‌دلیل زن‌سرپرست‌بودن بر فضای این خانه‌ها حاکم است، بیرون از چاردیواری، مردم و دولت نگاه دیگری به این خانواده‌ها دارند. آسیب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی خانواده‌های زن‌سرپرست عنوان پژوهشی است که در دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار ارائه شد. این همایش که از سوی اداره کل امور بانوان شهرداری تهران برگزار شد تلاشی بود برای بررسی مشکلات این بخش از جامعه و ارائه راهکارهایی برای بهبود اوضاع زندگی زنان و فرزندان‌شان که در خانواده‌های زن‌سرپرست زندگی می‌کنند. متن زیر گزیده‌ای از این پژوهش است که توسط اصغر میرفردی و الهه عطایی انجام شده است.

زنان به‌عنوان نیمی از پیکره هر جامعه‌ای، به تناسب، نقش‌های مهمی را در زندگی اجتماعی ایفا می‌کنند. اگر چه تحولات علمی و صنعتی تا حدود زیادی دگرگونی‌هایی در نقش‌پذیری افراد ایجاد کرده است، اما این تحولات به‌کم‌رنگ‌شدن نقش زنان در جامعه نینجامیده است. تحولات صنعتی و به‌دنبال آن تحولات اقتصادی و اجتماعی، نقش زنان را در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی افزایش داده است.

به همین تناسب، اگرچه برخی از کارکردهای خانواده به نهادهای دیگری واگذار شده است اما خانواده همچنان به‌عنوان نهاد پایه‌ای در جامعه‌پذیری، نظارت اجتماعی و همچنین پشتیبانی‌های روانی، اقتصادی و اجتماعی از افراد قلمداد می‌شود. هویت اجتماعی و فردی افراد تا حدود زیادی از گستره فرهنگی و ارزشی خانواده سرچشمه می‌گیرد؛ در این میان، زنان در خانواده نقش پایه‌ای در جامعه‌پذیری افراد دارند. آسیب‌شناسی زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده‌های زن‌سرپرست یکی از راهکارهای دستیابی به کاهش مسائل فراروی خانواده‌های زن‌سرپرست است.

آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی فراروی زنان سرپرست خانوار

۱- در سطح خرد و فردی: در سطح خرد مهم‌ترین آسیب‌های فراروی زنان سرپرست شامل احساس نبود پشتیبانی‌های اقتصادی و اجتماعی برای زنان است که منجر به تضعیف روحیه مشارکت در برخی از امور اجتماعی می‌شود. نابسامانی روحی از دیگر مشکلات این دسته از زنان است. بنا به اعلام مدیران و کارشناسان ذی‌ربط، زنان سرپرست خانوار از نظر سلامت روانی در وضعیت به‌مراتب بدتری نسبت به دیگر زنان قرار دارند و عمدتاً یکی از علائم بیماری‌های روانی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری در آنها به‌وضوح دیده می‌شود. گرایش به سمت برخی از مشاغل غیرقانونی در ارتباط با تأمین هزینه زندگی خانوار، از مهم‌ترین آسیب‌های این دسته از زنان است.

۲- در سطح میانه: در محیط همسایگی و محلی مهم‌ترین آسیب‌ها مشتمل بر نگرش‌ها و نوع برخوردهای اجتماعی است که نسبت به چنین خانوارهایی و سرپرست‌های آنها وجود دارد. این ایستارها همراه با نوعی ذهنیت بدبینانه نسبت به سلامت رفتاری و کرداری برخی از زنان سرپرست خانوار است و در نقطه مقابل برخی از افراد سودجو ممکن است از شرایط زندگی زنان بی‌سرپرست سوءاستفاده‌های اخلاقی کنند.

در ارتباط با زنان سرپرست خانوار که همسرانشان معتاد یا دچار رفتارهای سوء هستند، این آسیب‌ها ممکن است به‌گونه‌ای دوجانبه باشند؛ آنها از یک‌سو با مشکلات و آسیب‌های فراروی زنان سرپرست خانوار به معنای عام مواجه هستند و از این قبیل دشواری‌ها را برای سازگاری با شرایط زندگی در محیط بیرون از خانواده تحمل می‌کنند و از سوی دیگر با مسائلی از ناحیه همسران دارای سوءرفتار خود روبه‌رو هستند.

۳- در سطح کلان: در سطح کلان نیز زنان سرپرست خانوار با مشکلات و آسیب‌هایی روبه‌رو هستند که در کیفیت زندگی آنها تأثیرگذار است. مهم‌ترین آسیب‌های سطح کلان عبارتند از:

الف- نبود متولي مشخص در جامعه براي رسيدگي و نظارت بر وضعيت زنان سرپرست خانوار و خانوارهايي که تحت سرپرستي آنهاست. وجود دستگاههاي موازي در ارتباط با زنان سرپرست خانوار و ناهماهنگي موجود ميان آنها موجب مي‌شود که پوشش کامل حمايتي و نظارتي که به توانمندسازي آنها منجر مي‌شود، شکل نگیرد.

ب - وجود باورهاي سنتي در مورد نقش و کارکرد زنان در جامعه از ديگر موانع فراروي زنان سرپرست خانوار در سطح کلان است. کليشه‌هاي جنسيتي در ارتباط با نقش‌پذيري زنان در جامعه، موجب مي‌شود که حتي براي زباني که ناچارند با فعاليت اقتصادي خود از عهده تأمين زندگي تحت سرپرستي خود برآيند، موانعي در جامعه وجود داشته باشد. اين وضعيت تا حدودي ناشي از ضعف نهادينه‌سازي ارزش‌ها و هنجارهاي نوين براي مشارکت زنان در جامعه است که زمينه را براي فعاليت‌هاي اقتصادي و اجتماعي ضروري زنان سرپرست خانوار کاهش مي‌دهد.

ج - پايين بودن ميزان اعتماد به‌ويژه در جنبه‌هاي اخلاقي و رفتاري براي مشارکت زنان سرپرست خانوار در محيط بيرون از خانه از ديگر زمينه‌هايي است که در سطح کلان گريبانگر اين دسته از زنان است.

د - کمبود يا نبود برنامه‌هاي ترويجي و آموزشي به‌منظور توانمندسازي زنان سرپرست خانوار، عامل ديگري است که به‌ويژه در مناطق روستايي به‌عنوان يك مانع فراروي زنان است.

ه - وجود زمينه‌هاي پدرسالارانه به‌ويژه در جنبه‌هاي نظارتي و کنترلي در محيط خانواده و تأثير آن بر کيفيت نظارت زنان سرپرست خانوار و مديريت آنها بر جنبه‌هاي ارتباطي و فراغت‌ي فرزندان از جمله آسيب‌هاي فراروي زنان سرپرست خانوار است.

نتيجه‌گيري

مطالعه خانواده‌هاي زن‌سرپرست خانوار نشان مي‌دهد که اين خانواده‌ها بسته به نوع ساختار خانواده و همچنين بوم‌شناسي داراي آسيب‌ها و مشکلاتي هستند که تا حدودي ممکن است متنوع باشد. زنان مناطق شهري که از امکانات اقتصادي و اجتماعي بيشتري به‌ويژه در زمينه اشتغال نسبت به مناطق عشائري و روستايي برخوردارند، بيشتري با آسيب‌هاي رفتاري و اخلاقي روبه‌رو هستند.

در مقابل زنان مناطق روستايي و عشائري که در جريان تحولات اقتصادي و اجتماعي قرار ندارند و امکانات و فرصت‌هاي اقتصادي و کاريابي زيادي براي خود در مناطق يادشده ندارند، با دو دسته از آسيب‌ها روبه‌رو هستند: محدوديت فرصت‌ها و منابع اقتصادي براي فعاليت اقتصادي و تأمين معاش زندگي و کليشه‌هاي سنتي در ارتباط با فعاليت اقتصادي بيرون از خانه زنان که معمولاً در مناطق روستايي و عشائري بيشتري نمود دارند.

در کنار اين تنوع برخي از آسيب‌ها نيز در مناطق شهري و روستايي يکسان هستند. اين دسته از آسيب‌ها بيشتري در زمينه نگرش‌هاي فرهنگي و اجتماعي است. وجود باورهاي سنتي در مورد نقش و کارکرد زنان در جامعه، ضعف نهادينه‌سازي ارزش‌ها و هنجارهاي نوين براي مشارکت زنان در جامعه، کمبود يا نبود برنامه‌هاي ترويجي و آموزشي است.

راهکارهاي پيشنهادي

با شناخت ابعاد هر مسئله اجتماعي مي‌توان به ارائه راهکارهاي لازم پيرامون آن پرداخت. با توجه به آسيب‌هاي ياد شده که فراروي خانواده‌هاي زن‌سرپرست خانوار قرار دارد، راهکارهاي پيشنهادي زير ارائه مي‌شود:

۱ - با توجه به اينکه براي شناخت کامل هر مسئله اجتماعي و برنامه‌ريزي پيرامون آن، نياز به اطلاعات جامع از ابعاد آن و جمعيت مرتبط با آن است و نظر به نبود يا کمبود اطلاعات جامع پيرامون خانواده‌هاي زن‌سرپرست خانوار، پيشنهاد مي‌شود بانك اطلاعات جامع در مورد چنين خانواده‌هايي و همچنين سرپرست‌هاي آنها ايجاد شود تا ضمن بهره‌گيري پژوهشگران و کارشناسان از آن، در برنامه‌ريزي‌ها و تصميم‌سازي‌ها نيز از اين بانك

اطلاعاتی استفاده شود.

۲ - نظر به نبود مدیریت واحد و متمرکز در ارتباط با خانواده‌های زن سرپرست خانوار، پیشنهاد می‌شود با ادغام واحدهای موجود مرتبط با چنین خانواده‌هایی در دستگاه‌های اداری، مدیریت واحدی ایجاد تا از مشکلات اجرایی در این گستره کاسته شود و تا زمان ایجاد چنین مدیریتی از تصمیم‌سازی‌های ناهماهنگ خودداری شود.

۳ - برای شناخت بهتر چنین خانواده‌هایی از طریق مطالعات علمی، پیشنهاد می‌شود دبیرخانه ملی مطالعات خانواده‌های زن سرپرست خانوار یا دبیرخانه ملی مطالعات زنان سرپرست خانوار ایجاد شود تا مطالعات علمی جامع و تخصصی در ابعاد گوناگون در این زمینه انجام شود.

۴ - ارائه برنامه‌های ترویجی و آموزشی به‌منظور توانمندسازی زنان سرپرست خانوار: برنامه‌های ترویجی و آموزشی در ابعاد گوناگونی همچون مدیریت خانه و خانواده، مهارت‌های کارآفرینی و خوداشتغالی، مباحث تربیتی و رفتاری فرزندان، مهارت‌های زندگی و... مورد نیاز است.

۵ - توجه نهادهای کارپایی دولتی و غیردولتی به زنان سرپرست خانوار جویای کار: با توجه به اینکه بیشتر زنان سرپرست خانوار از مشکلات اقتصادی رنج می‌برند، لازم است برای کاهش مشکلات آن دسته از زنان سرپرست خانوار جویای کار امتیازات خاصی برای آنان در مقایسه با دیگر زنان و مردانی که از نظر مهارت و تحصیلات در یک سطح هستند در نظر گرفته شود.

۶ - ارائه برنامه‌های تأمین اجتماعی در زمینه بیمه درمانی اعضای خانواده‌های زن سرپرست خانواری که از هیچ‌گونه بیمه‌ای برخوردار نیستند.

۷ - نظر به اینکه محدودیت‌ها و معذوریت‌های اخلاقی برای فعالیت زنان سرپرست خانوار از مهم‌ترین موانع فعالیت آنان در محیط بیرون از خانه به‌ویژه در محیط‌های مختلط است و همچنین با توجه به ناتوانی بیشتر این دسته از زنان از راه‌اندازی کسب و کار مستقل، پیشنهاد می‌شود تعاونی‌هایی در زمینه‌های تولیدی، خدماتی، آموزشی و... برای اشتغال به کار آنها ایجاد شود.